



تحلیلی بر عوامل شکل گیری اسکان غیر رسمی

امیر واعظ شهانقی^۱

دانشگاه هنر تبریز

amirwaez@yahoo.com

چکیده

رسیدن به یک الگو و تفکر صحیح، جهت نحوه برخورد، طراحی و برنامه‌ریزی، به بررسی راهکارها و تجارب داخلی و جهانی و تسلط مناسب به علل وجودی این سکونتگاهها در خصوص اسکان غیررسمی نیاز دارد و از آنجایی که تاکنون اغلب مداخله‌ها در اسکان رسمی کشور در غالب مناطق، راه ناثوابی را پیموده‌اند و در پاره از مواقع به جای کاستن از اثرات نامطلوب اسکان غیررسمی به آن دامن زده‌اند.

حاشیه‌نشینی که خود تا حدود زیادی ریشه در مهاجرت دارد تحت‌تأثیر پارامترهایی زیادی چون فقر اقتصادی، عدم تخصص، نوع شغل، تعارض فرهنگی، بی‌سوادی، هویت قومی و فرهنگی، عدم کنترل، نظام برنامه ریزی غلط و... است که عوارض‌اش در قالب برخی از پیامدهای حاد مسائل شهری متجلی ساخته است و اولین گام برای یافتن بهترین راهکار در برخورد با چنین معضلی به نظر می‌رسد شناخت همه جانبه از علل ایجاد و پایداری چنین مناطقی می‌باشد تا با استفاده از تجارب موفق جهانی و بومی سازی آنها با شرایط اختصاصی هر منطقه اقدام مقتضی صورت گیرد تا بهترین نتیجه حاصل گردد.

از این جهت شناخت عوامل تأثیر گذار در پیداش و توسعه این مناطق بیش از پیش لازم و ضروری به نظر می‌رسد این شناخت دقیق و واقع بینانه از دو جهت سودمند واقع خواهد شد. اولاً در صورت دست یافتن به شناختی درست، موضع گیری مناسب و روشنگرایانه‌ی در مقابل مشکلات کالبدی و غیرکالبدی خواهیم داشت، ثانیاً به راه کاری مناسب و توانمند برای جلوگیری از توسعه و شکل گیری و اصلاح وضعیت کنونی این مناطق خواهیم رسید.

در این مقاله سعی شده است عمده‌ترین عوامل شکل گیری و گسترش به صورت تفصیلی با استفاد از نظرات اندیشمندان این حوزه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و نتیجه گیری های ملموس و کاربردی از آنها استخراج شود.

واژه های کلیدی: اسکان غیر رسمی-عدالت درفضا - مهاجرت- نظام برنامه ریزی- فرهنگ فقر

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری



مقدمه

جریان توسعه شهری در ایران طی ۲۰ سال گذشته باعث شد جمعیت شهرنشین بالغ بر ۲ برابر شود و پیش‌بینی‌ها حکایت از ادامه سریع این رشد دارند. در حال حاضر سرعت رشد شهرها از ظرفیت و قدرت دولتها و شهرداری‌ها در گسترش زیر ساخت‌ها و ارائه خدمات و ایجاد اشتغال پایدار پیشی گرفته است. در نتیجه پدیده اسکان غیررسمی به سرعت و به شکلی بی‌قاعده گسترش یافته است. آمارها حکایت از آن دارند که بین ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت کلانشهرها و حتی بسیاری از شهرهای متوسط در زیستگاه‌های نابسامان در حاشیه شهرها اسکان یافته‌اند که این مناطق جایگاه فقیرترین گروه‌های جمعیت شهری هستند و معمولاً سطح زندگی ساکنان این مناطق پایین‌تر از خط فقر یا حداکثر همسطح آن است. جمعیت ساکن این مناطق که اکثریت شان را مهاجران (روستایی و غیر روستایی) تشکیل می‌دهند به شدت گرفتار بیکاری و فقر فرهنگی هستند. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که اصولاً رشد سکونتگاه‌های غیررسمی و نامنظم و شکل‌گیری جزیره‌های فقر در حاشیه و درون شهرها به دلیل حذف اقشار کم درآمد از نظام برنامه‌ریزی کلان و خرد یا لحاظ نکردن آنها به صورت فعال به‌عنوان گروه‌های هدف در سیاست‌گذاری‌هاست. تحقیقات نشانگر این موضوع است که اسکان کم درآمدها و ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های نابسامان شهری از موضوعات و مسائل مهم توسعه شهری کشور است و تاثیر انکار ناپذیری در تحقق یا عدم تحقق مطلوب طرح‌های توسعه دارند. در واقع اسکان غیررسمی به یکی از چهره‌های بارز فقر شهری و توسعه نیافتگی بدل شده است و با رشدی چند برابرتر از رشد شهرنشینانی که درون یا مجاور شهرها به شکل خودرو فاقد مجوزهای رسمی شهرسازی با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل گرفته است و همچنان به رشد قارچ گونه خود ادامه می‌دهد. در واقع حاشیه نشینی پدیده‌ای است که در طول ۶۰ سال گذشته در شهرهای بزرگ ایران پدیدار شده و خانوارها و افرادی را که در مجاورت شهرها، در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند، در بر می‌گیرد. حاشیه نشینی به معنای اعم شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصاد شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهر نشده‌اند. جاذبه‌های شهری و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه‌شان کنده و به سوی قطب‌های صنعتی بازار کار می‌کشاند. این‌ها اکثراً مهاجرانی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرهای بزرگ می‌شوند.

در ادامه این مطالب قبل از اینکه به بررسی و تحلیل عوامل به وجود آورد اسکان غیر رسمی در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه و ایران به عنوان عامل مهم و تعیین کننده در چگونگی استفاده از ابزارها و روشها بپردازیم، لازم است به صور ضمنی و اجمالاً به برخی از مفاهیم دخیل در شکل‌گیری اسکان غیر رسمی بپردازیم.

۱-۱- عدم عدالت فضایی:

دیوید هاروی (۱۹۹۶، ۲۷۳) جغرافیدان معروف انگلیسی در کتاب عدالت طبیعت و جغرافیای افتراق چنین می‌نویسد: فضاهای متضاد نمایانگر تضادهای اجتماعی سیاسی است: چنین پدیده‌ای در کشورهایی که به عدالت اجتماعی و توزیع منطقی در آمد میان اقشار اجتماعی توجه بیشتری نداشته‌اند، یا اصولاً وجود نداشته و یا کم‌رنگ بوده است مشاهده می‌شود. و در کشورهایی که نظام سرمایه داری (چه سرمایه داری مرکزی و چه سرمایه داری پیرامونی) حاکم بوده، (به علت توزیع ناعادلانه منابع) پدیده اسکان غیر رسمی نیز جلوه گر شده است (حاتمی نژاد، ۲۰۱۳۸۲). در کشورهای پیشرفته نیز این پدیده به چشم می‌خورد چنانکه در کل



ساختمانهای محله برونکس، بروکلین و هارلم در شهر نیویورک این پدیده نمایان است به طوری که کل بناهای این محله ها، گویی زیر بمباران هوایی بوده است (سازمان ملل، ۱۹۹۶، ۱). دیوید هاروی (به نقل از شکویی ، ۴۵۲، ۱۳۷۳) در کتاب دیگر خود « عدالت اجتماعی شهر» وابستگی بین فرمهای فضایی و فرایند اجتماعی را به عنوان نوعی ضرورت جغرافیایی مطرح کرده است. در این مفهوم بروز پدیده حاشیه نشینی ناشی از روابط و مناسبات اجتماعی - اقتصادی خاصی است. جان رالفیلد در تعریفی که در سال ۱۹۷۱ ارائه داد ، برای عدالت دو اصل ارائه داد: نخست ، هر کسی در فعالیتی مشارکت دارد و یا از آن تاثیر می پذیرد ، حقی برای دستیابی به نهایت آزادی سازگار با آزادی مشابه دیگران دارد ، دوم نابرابری ها خود کامگی اند مگر آنکه به طور منطقی انتظار برود که برآیندشان نفع همگانی باشد. در جایی دیگر در تعریف عدالت به مثابه انصاف ، وی می گوید آن قرار دادهای اجتماعی منصفانه اند که برآیندی نابرابر برای مردم نداشته باشند مگر آنکه موجب ارتقاء اکثریت جامعه شوند (44 , 1999 , procto)

۱-۲- عدم توسعه

صاحب نظران و اندیشمندان علوم اجتماعی در برخورد با مساله توسعه نیافتگی پاره ای از کشور ها ، از دو رویکرد عمده استفاده و تبعیت می کنند:

۱-۲-۱- مکتب نوسازی:

مفسران نوسازی به دنبال این پرسش هستند که چگونه می توان شرایط اجتماعی - اقتصادی کشور های جهان سوم را تغییر داد . همچنین دیدگاه نو سازی بر خلاف مکتب وابستگی و نظام جهانی ، در پی شناخت و تاکید بر نقش عوامل درونی عدم توسعه در کشور های جهان سوم است . نو سازی دیدگاهی است که در پی تبیین موانع درونی و داخلی جوامع آماده و مستعد پذیرش پوشش های نو سازی است (از کیا ، ۱۳۷۴ ، ۹۲) .

۱-۲-۲- مکتب وابستگی:

بر خلاف دیدگاه نوسازی که توسعه نیافتگی کشور های جهان سوم را ، ناشی از شرایط و موانع داخلی کشور های یاد شده عنوان می کند و راه و روش خروج از این شرایط را منوط به اداره داخلی البته با مساعدت کشور های پیشرفته می داند ، پیروان مکتب وابستگی عقیده دارند عدم توسعه و شرایط نامساعد اقتصادی - اجتماعی در کشور های جهان سوم ، معلول شرایط نامساعد اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی داخلی یک جامعه نمی باشد ، بلکه تا حد زیادی نتیجه تاریخی ارتباط گذشته و مداوم اقتصاد میان کشور های توسعه نیافته و کشور های توسعه یافته می باشد (از کیا ، ۱۳۷۴ ، ۱۳۹) .

این رابطه مرکز پیرامونی ، نه فقط بین کشور های مختلف بلکه بین شهر های جهان اول و سوم و در درون مناطق پیرامونی به طور سلسله مراتب وجود دارد . گفته می شود اگر انگلستان در یک دوره ای هند یا ایران را استثمار می کرده است لندن نیز در درون این چهارچوب کلی تهران و دهلی را می بلعیده و در مرحله بعد تهران یا دهلی شهر های درجه دوم را و این تسلسل تا کوچکترین ده ادامه پیدا میکند (نقدی ، ۱۳۸۲ ، ۶۸) .

۱-۲-۳- اسکان غیر رسمی در ارتباط با نظریه های مکتب واسازی و نوسازی:

در باب تشکیل اسکان غیر رسمی در کشورهای جهان سوم با تبعیت از دو الگوی توسعه به دو دیدگاه اصلی می توان تاکید کرد. در دیدگاه اول اسکان غیر رسمی به مثابه معلول عوامل داخلی کشورهای جهان سوم تلقی می گردد وجه گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی ، خود به عنوان نوعی ضرورت در فرایند این تحول قلمداد



می شود. اما از نظر دیدگاه دوم مناطق اسکان غیر رسمی در شهرهای جهان سوم، معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرتهای جهانی از یک سو و ویژگی‌های ملی از سوی دیگر است (احمدی پور، ۱۳۷۴، ۳۴).

۲: عوامل به وجود آورند اسکان غیر رسمی

۱-۲: پدیده مهاجرت از روستا

مهاجرت به عنوان پدیده‌ای مشکل ساز در شهرها یکی از دلایل اصلی ایجاد و توسعه اسکان غیر رسمی شمرده می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، منابع محدود و نابرابری‌های طبیعی و جغرافیایی موجود، باعث تقدم بهره‌مندی بخشی از گروههای اجتماعی وکنارگیری سایر گروهها به ویژه مناطق روستایی می‌گردد. بخشی از جامعه که از مواهب اولیه توسعه بهره‌مند نشده‌اند، با تشخیص امکانات اقتصادی و اجتماعی در مناطق توسعه یافته‌تر، به آنجا روی آورده تا جزو مجموعه اجتماعی و اقتصاد آنها گردند (کمال اطهری و همکاران، ۱۳۷۹، ۸۲).

به لحاظ اقتصادی در انتقادی که از روند شهرنشینی فزاینده می‌شود، مهاجرت به شهرها به عنوان روندی در نظر گرفته می‌شود که در آن کارگران کشاورز به شاغلین مختلف و ویژه‌ای نظیر واکسی، دوره گرد و امثال آن روی می‌آورند. از نکته نظر اجتماعی نیز این انتقادات، به مساله نابودی جماعت روستایی و تبدیل آنها به حاشیه‌نشینان جامعه متروپل اشاره می‌کند (سینجر، ۱۳۵۸، ۱۵۲).

بنابراین مشکل بیکاری ساکنان اسکان غیر رسمی در شهرهای بزرگ ناشی از نقش شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر نیست بلکه شهرنشینی در این میان نقش متمرکزکننده بیکاری حاصل از الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی در روستاها را دارد. به بیان دیگر، شهر در این الگوی توسعه مکان تجلی تمرکز بیکاری است که بر اثر همین الگوی توسعه در روستا پدید آمده است (حسامیان و دیگران، ۱۳۶۳، ۱۷).

حتی با فرض اینکه حاشیه‌نشینی از مهاجرت روستائیان نشاط می‌گیرد، برخی بر این عقیده هستند که مساله باید ریشه‌یابی شود و در آن صورت است که بایستی توجه نمود که با مکانیزه شدن کشاورزی، چند درصد از ساکنین فعلی در روستاها قادر به ادامه سکونت در روستاها خواهند بود.

به این ترتیب درک ناگزیر بودن امر مهاجرت از روستا به شهر که از عوامل اصلی ایجاد اسکان غیر رسمی شمرده می‌شود، بدیهی می‌نماید (نگرش غیر مسولانه عدم توجه باافتهای غیر رسمی، ریشه در درک نادرست از این پدیده دارد).

با توجه به نظریاتی که درباره چگونگی مهاجرت‌های دوران توسعه در کشورهای توسعه نیافته صورت گرفته، غالباً مهاجرت‌های داخلی را جزء لاینفک روند توسعه و پیشرفت می‌دانند، در حالی که برخی از صاحب‌نظران معتقدند که چنین نظریه‌هایی اصولاً به چگونگی سیر تاریخی مهاجرت‌ها و شرایط طبقاتی مردم مهاجر و عوامل مشروط‌کننده در این اقتصاد سرمایه‌داری با ساخت‌ها و روندهای اجتماعی - اقتصادی مربوط به آن توجه چندانی ندارند (سینجر، ۱۳۵۸، ۶۳).

۲-۲: نقص نظام برنامه ریزی کشور

نقص نظام برنامه ریزی کشور عامل تشدیدکننده بحران مسکن کم در آمدها و اسکان غیر رسمی بوده است: طبق ماده ۵۵ قانون شهر داری ها مصوب ۱۳۴۴: اتخاذ تدابیر لازم برای ساخت خانه‌های ارزان قیمت برای اشخاص بی بضاعت، جزء وظایف شهر داری ها قرار گرفت، و در سالهای بعد همزمان با مطرح شدن مطالعات طرح آمایش سرزمین و طرح‌های نقطه‌ای، برخی از وزارتخانه‌های دیگر از جمله کشاورزی، نیرو صنایع،



راه و ترابری بدون هماهنگی با وزارت مسکن و شهر سازی برای خود طرح‌های ملی و منطقه ای تهیه کردند. این نا هماهنگی ها و عدم رعایت مصوبات شورای عالی شهر سازی و معماری عامل اصلی عدم موفقیت طرح آمایش سرزمین گردید. پس از انقلاب نیز به دنبال تصویب قانون زمین شهری ،تهیه و اجرای طرح‌هایی موسوم به آماده سازی زمین و ایجاد شهر های جدید به منظور ساماندهی توسعه شهری و اسکان جمعیت، از تصویب هیات وزیران گذشت. همچنین از سال ۱۳۷۰ تهیه طرح توسعه و عمران شهر ستان به منظور ساماندهی فضایی گسترده تر نظام

اسکان در دستور کار قرار گرفت اما هنوز رابطه بین طرح‌های شهرستان و برنامه ریزی های کالبدی (ملی ، منطقه ای ، جامع و هادی شهری - روستایی) و برنامه های منطقه ای وزارت خانه های مشخص نیست . به طور کلی نبود رویکرد منطقه ای ، عدم وجود ضوابط و معیارهای قابل پذیرش در برنامه ریزی شهری برای اسکان کم درآمدها را تقویت می کند. از جمله مشکلات دیگر ، به عنوان مثال در طرح‌های جامع نبود شرح خدماتی روشن که مشاور را ملزم به شناخت و ارائه برنامه ریزی کالبدی برای اسکان گروه‌های مختلف در آمدی کند.

در طرح‌های آماده سازی زمین هم وجود نرخ ترجیحی ، عملاً در درآمدها را از پوشش خارج می کند . در شهر های جدید مصوبه شورای اقتصاد مبنی بر تامین هزینه های احداث شهر توسط ساکنان گروه‌های کم در آمد را حذف نمود و به این ترتیب می بینیم با توجه به اختیارات مسئولین شهری در حیطه محدوده های شهری کم درآمدها به منظور اسکان غیر رسمی به بیرون و حریم ها که نظام برنامه ریزی کشور در آن قسمت منفصل عمل می کند گسیل می شود (اطهاری و همکاران ، ۱۳۷۹ ، ۸۴).

۳-۲ : برنامه ریزی شهری

اقتباس غیر واقع بینانه از برنامه ریزی شهری کشورهای توسعه یافته و عدم درک متقابل برنامه های شهری با نیازهای اقشار کنار گذاشته شده ، باعث سلب حق شهروندی ساکنین شده و اسکان غیر رسمی را تشدید میکند

این بخش در صدد طرح و ارائه این مطلب است که طرح‌های شهری خود به عنوان یکی از عوامل به حاشیه کشیده شدن بخشی از جمعیت شهری عمل می کند و هر چند مساله اسکان غیر رسمی سابقه ای طولانی تر از حضور طرح‌های شهری دارد ، اما در شرایط حاضر عدم توجه جدی و اصولی به طرح‌های شهری ، باعث تشدید مساله اسکان غیر رسمی شده است . مشکل اصلی ، عدم درک صحیح برنامه ریزان شهری (نوع رایج طرح‌های شهری نظیر طرح جامع و تفصیلی) می باشد که سبب سلب حق شهر وندی بخش عظیمی از قشر کم در آمد شده است که در نتیجه آنها مجبور شده به پهنه هایی از منطقه شهری روی آورند که فاقد ضوابط پایدار و همه جانبه می باشد . کاستی برنامه ریزی شهری ریشه در این موضوع دارد که اغلب طرح‌های شهری با توجهی به این گونه بافت ها ندارند و یا این که با این بافتها برخوردی یکسان و مشابه با بافت های دیگر شهری می شود .

در شهر های بزرگ ایرن ، گرانی زمین از یک سو و محدودیت زمین های شهری از سوی دیگر ، باعث روی آوردن به افزایش تراکم شده است این سیاست مناسب افراد کم در آمد نمی باشد و بایستی به جای افزایش تراکم خالص مسکونی از طریق افزایش تراکم ساختمانی بالا ، به قطعه بندی های کوچک با تراکم ساختمانی پائین روی آورد . نظام برنامه ریزی کشور در سالهای گذشته به دلیل ضعف در شناخت و یا محدودیتهای قانونی ، با سیاست افزایش تراکم ساختمانی در طبقات سبب شده است که در آمد ها در نظام برنامه ریزی



جایگاهی نداشته باشند. به این ترتیب طرح‌های شهری عاملی در جهت توسعه اسکان غیر رسمی عمل می‌کند.

قبل از ایجاد طرح‌های جامع شهری و وجود ضوابطی در مورد شهرها، مهاجران حق سکونت در جوار افراد ساکن را داشتند. این امر منجر به تعامل فرهنگی بین مردم می‌شد، یعنی در واقع بدون هیچ جدایی‌گزینی این افراد می‌توانستند در داخل قطعه زمین کوچک زندگی کنند.

طرح‌های جامع با تعریف حداقل میزان زمین‌های جدید تفکیک شده، عملاً حق سکونت را از کسانی که قادر به خرید حداقل متراژ پیش‌بینی شده از سوی طرح‌های جامع نبودند را، سلب نمود و به این ترتیب طرح‌های شهری خود به عنوان عاملی جهت باز تولید فرهنگ فقر عمل کرد. یعنی به وجود آوردن مناطقی به صورت غیر رسمی در جهت شکل‌گیری فضایی که پاسخ‌گوی نیازهای سکونتی آنها باشد و در این چهار چوب فرهنگ فقر عاملی دفاعی جهت گریز از بهران‌ها محسوب می‌شود.

۲-۴: فرهنگ فقر :

فرهنگ فقر تئوری‌ای بود که از سوی لوئیس اسکار مردم‌شناس، در سال ارائه شدو آنچه بین اسکان غیر رسمی و فرهنگ فقر ارتباط برقرار میکند باز تولید فقر در رابطه با فضا می‌باشد.

بررسی فرهنگ فقر از دو جهت با اسکان غیر رسمی رابطه‌ای مفهومی می‌یابد. اولاً عوامل مختلفی که ناخواسته در ایجاد اسکان غیر رسمی حضور دارند، با قائل‌شدن تمایزات فرهنگی موجب ایجاد فرهنگ فقر شده‌اند، ثانیاً نگرش اسکارلوئیس در رابطه با فرهنگ فقر نگاهی ارزشی یافته و سبب توجه یا عدم توجه به مساکن و بافت‌های اسکان غیر رسمی می‌شود.

از مشخصات فرهنگ فقر محنت‌زدگی، ناامیدی، وابستگی و فرو دستی است. یقیناً آن دولت‌هایی پذیرای دیدگاه‌های او بودند که توجه اندکی در زمینه کمک به تهیدستان داشتند چرا که این توجه دلیل آشکاری بود بر توجیه بی‌توجهی آنها.

فرهنگ فقر به باور لوئیس اسکار به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و رفتارهای نسبتاً یک‌پارچه‌ای اطلاق می‌شود که عامل اصلی، اجتماعی شدن فقر است و چنان در جامعه ریشه دوانده، که حتی با از میان رفتن فقر، تمایل به پایداری و تداوم دارد. این مفهوم پیش از لوئیس اسکار در مفهوم مارکسیستی لومپن پرولتاریا مطرح شده. بعداً این مفهوم در خلال مفهوم حاشیه‌نشینی در شهرها به ویژه در شهرهای بزرگ و شهرهای جهان‌سومی ارائه شد. فرهنگ فقر مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت و بر آن، این خرده‌گرفته شد که هدف آن توجیه فقر از طریق نوعی هنجارمند کردن آن در قالب شکل خاصی از فرهنگ شهری (فکوهی، ۱۳۸۳، ۱۹۹).

لوئیس اسکار در خصوص فرهنگ فقر چنین می‌گوید: من به عنوان یک مردم‌شناس کوشیده‌ام که فقر و ویژگی‌های آن را به صورت یک فرهنگ یا درست‌تر، یک خرده‌فرهنگ بشناسم، خرده‌فرهنگی که برای خود ساخت و جهتی داشته و به صورت یک روش زندگی در خط خانواده از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

چنین بینشی از فقر و ویژگی‌های آن توجه شخص را به سوی این حقیقت باز می‌گرداند که فرهنگ فقر در میان ملت‌های امروزی تنها منعکس‌کننده وجود محرومیت‌های اقتصادی، نا به سامانی اجتماعی یا فقدان یک چیز یا یک حالت خاص نیست، بلکه علاوه بر این‌ها، وضعیت و حالت مثبتی نیز هست که سودمند‌هایی در بر دارد و بدون آن شخص فقیر به سختی می‌تواند در شرایطی که برای او وجود دارد به زندگی ادامه دهد...



فرهنگ فقر روشی از زندگی است که در نتیجه به سر بردن در چنان شرایطی برای مردمان فقیر حاصل می شود ... (اسکار ، ۱۳۵۳ ، ۱۲۶ - ۱۲۵) .

در هر صورت در جوامع توسعه نیافته ، صاحبان فرهنگ فقر که در حاشیه شهر ها و به صورت غیر رسمی ساکنند ، علاوه بر پاسخ گویی به مشکل سر پناه ، به نوعی از نظر اجتماعی در مقابل مشکل فقر ، ساختاری درون گروهی به خود می گیرند .

ویژگی های عمده این گروه به صورت زیر :

اعتقاد به قضا و قدر ، توجه به زمان و علاقه به مسائل و امور عینی ، ماجرا جویی ، تسلیم احساسات و امیال بودن و نشان دادن پرخاشگری به عنوان وسیله ای برای بروز احساسات که موجب می شود کسانی که در فرهنگ فقر به سر می برند دچار خود خوری و سر کوفتگی شوند (توسلی ، ۱۳۷۴ ، ۱۸۹) .

۵-۲: بررسی های آماری

بررسی هایی که در سطح جهانی انجام شده حاکی از آن ست که در صد زاغه نشینی و اسکان غیر رسمی در جمعیت شهر های مهم دنیا از ۹٪ در لیما تا ۶۵٪ در ازبیر متغیر می باشد (وزارت آبادانی مسکن ، ۱۳۵۱) . در مورد سابقه پیدایش حاشیه نشینی در تهران گفته شده است : بدون تردید پس از کودتای ۲۸ مرداد به خصوص از سال ۱۳۳۵ به بعد ، اجتماعات آلونک نشین در گودهای جنوب شهر تشکیل شده اند و تا شهریور ۱۳۵۹ نزدیک به ۱۰۴۵۰ خانه وار با جمعیتی نزدیک به ۴۶۰۰۰ نفر را در خود جای داده و ۴۵۰۰ آلونک را در بر می گرفتند (مشهدیزاده ، ۱۳۷۴ ، ۱۲۲) .

بنا به یک گزارش ۱۳/۶ در صد واحد های حاشیه نشین قبل از سال ۱۳۳۱ و ۲۲ در صد در فاصله سال های ۱۳۲۶ - ۱۳۲۹ و مقارن رونق فعالیت های اقتصادی در تهران پدید آمدند . ۱۵/۹ در صد این نقاط در فاصله سال های ۱۳۵۰ - ۱۳۴۰ و ۲۰/۳ در صد از سال ۱۳۵۰ تاکنون ایجاد شده اند و به طور کلی ۴۵ در صد از این واحد ها در سالهای ۱۳۴۵ به بعد شناخته شده اند (مشهدیزاده ، ۱۳۷۴ ، ۱۲۴) .

وضعیت حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۴ در شهرهای بزرگ به دنبال عرصه وسیع و زمین کافی ، کاهش شدید قیمت زمین و مصالح ساختمانی وضعیت بهتری پیدا کرد . اما با بروز محدودیت ها و نیز عوامل ضوابط و مقررات غیر منعطف این وضعیت استمرار نیافت . با افزایش قیمت مسکن ، عده بسیاری به سوی مسکن غیر رسمی روی آوردند . طرح های شهری نیز به درک درستی از واقعیات نرسیدند همچنین اندیشه حذف خطوط حدوده های خدماتی به منظور جلو گیری از افزایش قیمت زمین ، باعث اعمال ضوابط قطعه بندی در تمام مناطق و سبب انتقال قشر کم در آمد به نقاط دور افتاده گردید (اطهری و همکاران ، ۱۳۷۹ ، ۸۵)

۶-۲: سرمایه داری:

گرچه سکونت گاههای فقرای شهری پدیده ای تازه نیست و از وجود آن در جوامع کهن سال یاد شده است اما این پدیده با ورود سرمایه داری به دومین مرحله خود یعنی سرمایه داری صنعتی و پیدایش شهر های میلیونی و متعاقب آن عینیت یافته است . با ظهور سرمایه داری ، منطق این نظام یعنی انباشت سرمایه برای سرمایه گذاری مجدد ، بر همه موارد سایه افکند . چنین منطقی با نظام های صنعتی ما قبل سرمایه داری یعنی صنایع خانگی و صنایع کارگاهی سازگار نبود . چرا که منطق یاد شده تنها از طریق تولید انبوه تحقق می یافت لذا چاره ای جز فرایند تولید پراکنده که در صد ها کارگاه بر اساس روابط استاد - شاگردی به فرجام می رسید ،



نبود. زیر یک سقف گرد آمده و پدیده ای جدید به نام کارخانه پایه به عرصه حیات نهاد. به گفته پیتر هال و مانوئل کستل، در تصویری از اقتصاد صنعتی قرن نوزدهم که از طریق صد ها کتاب درسی تاریخ با آن آشنا ایم، دیده می شود: معدن زغال سنگ و در همسایگی آن کارخانه ذوب آهن که دودی عظیم و سیاه را به آسمان می فرستد. چنین اقتصاد صنعتی ای شهر نشین است. بر این اساس صد ها شهر شرکتی و صنعتی از زمین سر بر آوردند. در کنار کارخانه که باید تولید انبوه سامان می داد و نیاز سرمایه داری به انباشت سرمایه آن هم برای سرمایه گذاری مجدد، فرآیندی سیزیف وار را به فرجام می رساند، به انبوهی کارگر نیاز بود تا از بام تا شام چرخه کارخانه ای نو پا را به گردش در آورد. چنین بود که خلیل عظیمی راهی شهرها و نو شهرها اروپایی غربی شدند. از سوی دیگر به جمعیت انبوهی نیاز بود تا در مکان محدودی (شهرها) گرد آیند و به مصرف تولید انبوه همت گمارند. بر این اساس شهرها با سرعتی خیره کننده رو به رشد نهادند. شهرهایی که شتابان، پای به رشد نهاده بودند، پذیرای انبوه مهاجران نبودند. از این رو محلات فقیر نشین و گتوها سر بر آوردند و اسکان تهی دستان و رانده شدگان را به عهده گرفتند (پیران، ۱۳۸۱، ۱۰).

مطابق تجربه غرب، فرآیند مدرنیته از سه جز، اساسی تشکیل شده است:

۱- صنعتی شدن، ۲- شهری شدن و ۳- دموکراسی سیاسی.

علیرغم سرمایه گذاری های میلیاردی در بخش صنعت، به استثنای چند مورد که امروزه سخت در بحران به سر می برند کمتر جامعه ای در جهان سوم یافت می شود که نشانه نتیجه بخش بودن واقعی پروژه صنعتی شدن به شمار آید. اوضاع و احوال دموکراسی سیاسی نیز در این جوامع اسفبار است برای جلوگیری از دموکراسی سیاسی فقط در آمریکای لاتین دهها فقره کودتا به وقع پیوسته است که کوشیده اند تا تمامی نهاد های مدنی منطقه آمریکای لاتین را نابود کنند. در قلمرو شهری شدن، مسئله حتی پیچیده تر است. گرچه علوم اجتماعی رسمی مغرب زمین سالها ادعا کرده اند که شهری شدن جهان سوم مشابه مغرب زمین پیش رفته و تنها تفاوت در تاخیر زمان است، و آنچه که در یک قرن قبل در اروپای غربی و آمریکای شمالی رخ داده است، امروز در جهان سوم به وقوع می پیوندد و آمار و ارقام و شاخص های گوناگونی را برای اثبات این شباهت به کار می برند، اما فراتر از این ارقام، آمار و برخی شاخص ها، نشان می دهد که ماهیت شهری شدن جهان سوم و جهان صنعتی از اساس متفاوت است. شهری شدن جهان سوم معلوم رشد خیره کننده بخش سوم اقتصاد، یعنی خدمات، بوده است.

همان بخشی که در جهان پیشرفته تا پایان جنگ جهانی دوم سخت کنترل شده و سرمایه های سرگردان جامعه با انواع راهکارها به بخشهای تولیدی رانده می شدند. رشد بخش سوم اقتصاد یا خدمات در جهان سوم از نظر فضایی نیز فوق العاده ناهمگون رخ داده است، یعنی کار، پایتخت های جهان سومی با ایجاد بازارکار بسیار گسترده در بخش خدمات و در درجات بعدی مراکز مهم تجاری-اداری (در ایران و در بسیاری از کشورها) به مشاغل انگلی یا پادویی شهری جان بخشیدند. از طرفی، جمعیت جوامع جهان سوم در پرتو توسعه بهداشتی و آموزشی بر کنترل های طبیعی جمعیت (مرگ و میر نوزادان، مرگ و میر کودکان تا ۵ سال، مرگ و میر مادران باردار، مرگ و میر ناشی از بیماری های واگیر دار) فایق آمده اند بدون آنکه تحولات ساختاری اقتصادی، و بعد ها کنترل های ارادی به تعادل جمعیتی منجر شود. پس از یک سو جمعیت شتابان رشد می کند و از سوی دیگر در بخش های کشاورزی و صنعت امکان جذب جمعیت مازاد وجود ندارد. لذا جمعیت پر شمار در پایتخت و دیگر مراکز مهم شهری، رحل اقامت می افکنند تا عمدتاً در بخش غیر رسمی کاری دست و پا کنند. بدین سان شهرهای چندین و چند میلیونی در کشور های جهان سوم سر بر آورده اند.



با توسعه بخش خدمات، بورس بازی زمین و مسکن نیز به راه می افتد. از این رو بخشی از جمعیت شهرها که ناشی از رشد طبیعی جمعیت و انبوه مهاجران روستایی و یا مهاجران از شهرهای کوچک ترند قادر به یافتن سرپناه در بازار رسمی زمین و مسکن نمی شوند. به تدریج و در نبود جامعه مدنی قدرتمند، کم‌حرمتی قانون و فقدان مدیریت شهری قدرتمند، بازار غیر رسمی زمین و مسکن پدید می آید (پیران، ۱۳۸۱، ۱۲).

۳: نتیجه گیری، بررسی و تحلیل علل پیدایش و توسعه:

یکی از مهمترین بخشهای هر تحقیقی بررسی مسائل مرتبط با پیدایش مساله می باشد، که ضرورت آن ناشی از عوامل پیچیده به وجود آورنده و تأثیر گذار در آن حوزه می باشد. با شناسایی و ریشه یابی دقیق علت‌ها می توان راهبردها و سیاست های برنامه ریزی و مدیریت را به خوبی ترسیم نموده و بر اساس آنها معیارهای مربوطه را مشخص نمود.

طیف وسیعی از مسائل در کنار هم مساله اسکان غیر رسمی را سبب می گردد و تئوری‌ها و نظریه های مختلف در برخورد با مساله اسکان غیر رسمی دیدگاههای مختلفی دارند. بسیاری اسکان غیر رسمی را نتیجه تخریب سیستماتیک روابط حاکم بر اقتصاد طی دوران های مختلف می دانند. پرویز پیران اشاره می کند: پیدایش اجتماعات آلونکی معلول عوامل ساختاری (سطح کلان) نهادی و سازمانی (سطح میانه) و واکنش خانوارها و افراد به دو دسته عوامل بالاست (سطح خرد) و معتقد است تا زمانی که عوامل موجود دگرگون نشود مساله به قوت خود باقی است.

عده ای نیز اسکان غیر رسمی را نتیجه تخریب سیستماتیک روابط حاکم قدیمی بر اقتصاد کشور (به ویژه کشاورزی) طی دوران تکیه بر نفت و رواج الگوی مصرف گرایی و گسترش به واردات می دانند (مشهدی زاده، ۱۳۷۴، ۱۴۲).

هنگامی که این افراد در کنار و یا در داخل شهر و جدا از بافت خود اسکان می گزینند با پیاده کردن معماری بدون ضوابط و مقررات شهری دست به ایجاد بافتهای غیر اصولی و به لحاظ سیمای شهری زشت می زنند. این عکس العملی از سوی این افراد است به شهر در پی عدم توجه به این قشر از جامعه. به طور کلی در بررسی علل شکل گیری اجتماعات مسکن غیر رسمی در شهرهای ایران می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- گسترش ناهمگون شهری و رشد نامناسب و بیمارگونه شهرهای بزرگ ایران به دلیل تمرکز سرمایه قدرت و امکانات.
- ۲- ناکارآمدی نظام برنامه ریزی در ایران، عدم توجه مناسب قشر مهاجر و فقیران شهری در برنامه های حال و گذشته شهرها از دلایل عمده شدت گرفتن مساله اسکان غیر رسمی می باشد.
- ۳- عدم توجه به عدالت فضایی و گسترش ناهمگون منطقه ای و استفاده از امکانات زمین به نسبت گسترده ملی آن در مناطق مختلف سبب گسترش و توسعه ناهمگون شهرها شده است.
- ۴- افزایش قیمت زمین و محدودیت زمین های شهری ناشی از سیاست های کلان دولت.
- ۵- عدم توجه به تناسب مناسب ثروت در جامعه و عدم وجود سیاست های حمایتی.
- ۶- عدم دقت در نیاز به مشارکت های مردمی در طرح ها و برنامه ریزی شهری.



۴: منابع و ماخذ

۱. اطهاری، ک، ۱۳۸۱، عدالت در فضا، مجله هفت شهر، شماره های ۱۰ و ۹، ص ص ۲۵-۳۲.
۲. اطهاری، ک، و همکاران، ۱۳۷۹، حاشیه نشینی در ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران، مجله مدیریت شهری، شماره ۲.
۳. بی نام، ۱۳۸۱، اسکان غیر رسمی در ایران دغدغه ها و سیاستگذاری ها، مجله هفت شهر، شماره های ۱۰ و ۹.
۴. پیران، پ، ۱۳۸۱، باز هم در باب اسکان غیر رسمی مورد شیرآباد زاهدان، مجله هفت شهر، شماره ۱۰ و ۹.
۵. پیران، پ، ۱۳۶۵، شهرنشینی و ناهمگون، مسکن ناپهنجار (قسمت اول)، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال دوم، شماره ۳.
۶. توسلی، غ، جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.
۷. حاتمی نژاد، ح، ۱۳۸۲، اسکان غیر رسمی در جهان، مجله شهرداریها، شماره ۵۰.
۸. حسامیان، ف و دیگران، ۱۳۶۳، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، تهران.
۹. دراکاکیس اسمیت، د، ۱۳۷۴، شهر در جهان سوم، ترجمه حسین برادران رحیمی، انتشارات واقفی، مشهد.
۱۰. سینجر، پ، ۱۳۸۵، اقتصاد سیاسی شهر نشینی، ترجمه مهدی کاظمی بیدهندی و فرخ حسامیان، نشر ایرانی، تهران.
۱۱. شکویی، ح، ۱۳۷۳، دیدگاههای نور در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، جلد ۱، تهران.
۱۲. شکویی، ح، ۱۳۵۵، حاشیه نشینان شهری، انتشارات دانشگاه تبریز.
۱۳. شیخی، م، ۱۳۸۱، سکونتگاههای خودرو، یک راه حل یا مشکلی بدون چاره. مجله شهرداریها، شماره ۳۵.
۱۴. شیخی، م، ۱۳۸۰، اجتماعات آلونکی پدیده ای فراتر از حاشیه و حاشیه نشینی، گفتگو با پرویز پیران، مجله شهرداریها، شماره ۴۶.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.